

## قاضی محمد صادق اختر، سخنور برجسته از سرزمین بنگاله

عمر کمال الدین کاکوروی\*

رسیدم چون ز فیض لایزالی	به بنگاله پی عشرت سگالی
بهشتی دیدم از گلها نگارین	گلش چون چهر حوران بهارین
زمین او سراسر سبزه زارست	بلی آغاز این ملک از بهار است
ز خاکش دیده بینش کرده تحصیل	بود سرمه غبارش میل در میل
غبارش می کند بینش فزایی	که خاک اوست کحل روشنایی
به هر جایی که بینی سبزه زار است	بهارست و بهارست و بهارست

(منیر لاهوری)

ابیات فوق‌الذکر در توصیف میهن تاگور و قاضی نذراالاسلام یعنی سرزمین مینوخصال بنگال نشانگر این حقیقت است که خطه بنگال از دیرباز مرکز دانش و فرهنگ بوده است. دیار همیشه بهار بنگاله از لحاظ ترویج و اشاعت زبان و ادبیات فارسی نیز اهمیت چشمگیر خود را واضح نموده است و بین ثبوت آن این است که بسیاری شاعران و نویسندگان برجسته از این خطه برخاسته درخت تنومند زبان و ادبیات فارسی در هند را آبیاری کرده‌اند میان این نابغان روزگار قاضی محمد صادق اختر بیش از همه توجه ما را جلب می‌کند.

---

\* رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لکهنو، لکهنو.

قاضی محمد صادق متخلص به «اختر»<sup>۱</sup> مخاطب به ملک الشعرا و خان بهادر پسر قاضی محمد لعل بود.<sup>۲</sup> نیاکان وی عربی‌النسل و از اخلاف حضرت خواجه عییدالله احرار نقشبندی بودند که از وطن خودشان هجرت نموده مدتی در ترکستان اقامت گزیدند سپس سوی هند عزیمت کردند، نخست در دهلی مقیم شدند ولی بعداً در شهر هوگلی که کنار دریای گنگ حدود هفتصد و چهل (۴۰) کیلومتر از شمال کلکته است ماندگار شدند. اختر در همین شهر در سال ۱۲۰۱ هـ/ ۱۷۸۶-۸۷ م با به‌عرصه وجود نهاد<sup>۳</sup> و معقولات و منقولات را نزد سید محمد اسعد بردوانی و فضلالی دیگر آن زمان یاد گرفت.<sup>۴</sup> به‌روایت «کیفیت‌العارفین»، وی در محضر سید‌المشایخ مولانا سید رضا منعمی ابوالعلا مدارج سلوک هم طی کرد.<sup>۵</sup> سپس وی در سال ۱۲۲۶ هـ/ ۱۸۱۱ م یا چند سال پیش به‌لکهنو آمد و در شعر فارسی شاگردی مرزا محمد حسن قتیل (م: ۱۲۳۳ هـ در لکهنو)<sup>۶</sup> اختیار نمود و بعد از مدت کوتاهی به‌بنگال آمدند. هنگامی که غازی‌الدین حیدر (مدت حکومت: ۱۲۴۳-۱۲۲۹ هـ)<sup>۷</sup> با کمک انگلیس‌ها پادشاه آن استان گردید وی

۱. محمد صادق متخلص به‌اختر در «حدیقة‌الارشاد» و «محامید حیدریه» نام خود محمد صادق نوشت الحاق لفظ خانی که در بعضی تذکره‌ها نوشته است درست نیست اطلاع «اسعدالاجبار»، آگره، ۸ اکتوبر ۱۸۴۹ م که در وی محمد صادق علی خان درج است نیز غلط است. همچنین در «آب حیات» مصنفه محمد حسین آزاد، ص ۳۳۲، چاپ نولکشور، لاهور، ۱۹۰۷ م؛ درباره وی حاجی محمد صادق خان اختر هم درست نیست که هیچ‌اطلاع درباره مشرف شدن حج بیت الله در منابع مستند موجود نیست.
۲. ریاض‌الوفاق، ذوالفقار علی مسند، ص ۶ و در نزهة‌الخواطر، ۲۴۳/۷، فقط محمد نوشته است.
۳. این امر چنین به‌اثبات می‌رسد که وی در دیباچه «حدیقة‌الارشاد» سن خود را ۲۵ سال نوشت و سال تصنیف این اثر ۱۲۲۶ هجری است.
۴. نزهة‌الخواطر و بهجة‌المسامع والنواظر، مصنفه حکیم سید عبدالحی حسنی، ۲۲۳/۷.
۵. کیفیت‌العارفین، ص ۱۷۰-۱۶۹.
۶. ابیات ذیل نشانگر این حقیقت‌اند که اختر در سرودن شعر فارسی پیش قتیل زانوی تلمذ ته می‌کرده بود.  
 ذره از خورشید دایم می‌نماید کسب نور      از قتیل اختر طریق نکته‌دانی یادگیر  
 ز فیض تربیت حضرت قتیل اختر      به‌رمزگاه سخن شد مرا زبان خنجر  
 توان در نکته‌سنجی و به‌همتای قتیل اختر      اگر دنیای دیگر آدم دیگر شود پیدا
۷. غازی‌الدین پسر نواب سعادت علی خان (مدت حکومت: ۱۲۲۹-۱۲۱۳ هـ/ ۱۸۱۴-۱۷۹۷ م)، اولین نواب اوده بود که بعد از فوت شدن پدرش حاکم اوده شد، سپس در سال ۱۲۳۴ هجری با کمک انگلیسی‌ها پادشاه آن ایالت گردید و تاج سلطانی بر سر گذاشت و پس از پادشاهی حدود چهارده سال در ۱۲۴۳ هجری داعی اجل

دوباره سوی لکهنو عزیمت کرد و بنا به گفته نواب صدیق حسن خان در تذکره «شمع انجمن» «به خطاب ملک الشعراى سربلند گشت»<sup>۱</sup>. بعد از فوت نواب چندی بی کار مانده و بعداً در شهر کانپور و اتاوه به عهده تحصیلدار به سربرد و در آخر زندگانی باز به لکهنو رسیده و در سال ۱۸۵۸ م داعی اجل را لبیک گفت و پیوند خاک این شهر شد.<sup>۲</sup>

اختر یکی از معروف‌ترین نویسندگان و سخن‌سرایان فارسی در قرن نوزدهم میلادی محسوب می‌گردد و به زبان اردو نیز تسلط می‌داشت. تذکره‌های بسیار وجود دارند که در آن استعداد شگفت‌آمیز علمی وی ذکر شده است که بعضی از تذکره‌ها اینجا برای مثال آورده می‌شود.

نواب صدیق حسن خان در شمع انجمن می‌نویسد:

«اختر قاضی محمد صادق خان از قاضی‌زادگان هوگلی نواح کلکته است در مستعدان زمانه ممدود بود «صبح صادق» و «نورالانشا» و «محامد حیدریه» و «نقودالحکم» و دیوان فارسی و اردوی ریخته تألیف اوست. عمری در لکهنو به‌زیر سایه عنایت غازی‌الدین حیدر پادشاه به سربرد و به خطاب ملک الشعراى سربلند گشت از شعراى معاصرین برادر مرحوم او را دیده بود و محرر سطور نیز به بعض نوابغش آگاه شد سلیقه انشا فارسی و شعر اردو نیکو داشت در لکهنو بعد زمانه غدر هندوستان سفر آخرت گزید...»<sup>۳</sup>

صاحب «ریاض‌الوفاق» چنین مرقوم است:

«محمد صادق «اختر» تخلص درخشان کوبک برج صلب مشتری خصال قاضی محمد لعل هگلوی است. به‌بازوی اختر طالع بر اوج هنر و استعداد

را لبیک گفت و در روضه شاه نجف واقع حضرت گنج که شبیه روضه حضرت علی کرم الله وجهه نجف اشرف است مدفون گردید.

۱. شمع انجمن، نواب صدیق خان قنوجی، ص ۶۳، سعادت علی خان ناصر در «تذکره خوش معرکه زیبا» می‌نویسد که وی تحت نظر صاحب کلان (resident) خدمت انشانویسی انجام داده بود، غازی‌الدین حیدر وی را از خانه خوانده به عهده تصنیف و تألیف مأمور کرد و دو هزار روپیه مشاھرہ مقرر کرد.
۲. بیشتر تذکره‌نویسان وفات او را در سال ۱۸۵۸ م در شهر لکهنو نوشتند، ولی رام بابو سکسینه در «تاریخ ادب اردو» در شهر اتاوه ذکر کرده است که درست نیست.
۳. شمع انجمن، ص ۶۳.

تصاعد نموده به رفاقت صاحبی در لکهنو شتافته صحبت صاحب کمالان آن دیار العیار کمال دریافته در شعر و شاعری مناسبتی تمام و فکری موزون خرام به هم رسانیده<sup>۱</sup>.

وزیر علی عبرتی در تذکره نثر نویسندگان خودشان تمجید او به این طور می‌کند: "اگر بوم زاد آن معنی سگان خاک بنگاله باشد مگر مدارج سخن‌پیرایی بدان ارتفاع پایه رسانیده بود که ریخته خامه معنی نگارش با کلام عجم پهلو زد"<sup>۲</sup>. توصیف اختر در تذکره هزار داستان معروف به «خم‌خانه جاوید» همچنین است: "... زبان فارسی خوب می‌دانست... علاوه تبحر علمی و سخنوری و دقایق شعر نظیر خود نداشت"<sup>۳</sup>. (ترجمه از اردو)

مظفر حسین صبا در تذکره «روز روشن» مستطیر است:

"اختر قاضی محمد صادق خان از اعیان شهر هوگلی بود هوگلی شهری است کنار دریای گنگ از دارالامارة کلکته صوب شمال دوازده کروه مسافت دارد و نزد هندوان بر آبادیش چهار هزار سال گذشته و اختر از بدو سن رشد در سرکار انگریزی معظم و محترم مانده و مدتی در سرکار اولین پادشاه ملک اوده غازی الدین حیدر شاه زمن عز اختصاص داشت و محامد حیدریه به نام نامیش تألیف نموده و در آخر عمر به ملازمت خاتم سلاطین اوده واجد علی شاه سلطان عالم نصیبی وافی برداشته در استجماع اکثر فضایل نوع انسانی و صفت عالم آشنایی از معاصرین گوی تفرّد می‌ربود و در جمله علوم عموماً و در علم ادب عجم و عرب و فنون کیمیا و سیمیا و هیمیا خصوصاً ماهر بود و نظم و نثر فارسی به کمال لطف و پاکیزگی انشاء می‌نمود بعد انقضای قضیه شورش و فساد افواج انگلیسیه که در سنه ثالث و سبعین از مائة ثالث عشر (۱۲۷۳ هـ) برپا شده قیام بیت‌الحکومت لکهنو گزید و همانجا پیوند زمین گردید..."<sup>۴</sup>

۱. ریاض الوفاق، ذوالفقار علی مست، ص ۶.

۲. ریاض الافکار (خطی)، وزیر علی عبرتی، کتابخانه خدابخش، پتته، ص ۱۰.

۳. تذکره هزار داستان معروف به خمخانه جاوید، لاله سری رام، ۲۰۰۱.

۴. تذکره روز روشن، مظفر حسین صبا، ص ۳۹-۳۷.

احمد حسین سحر در تذکره خودش «طور معنی» می‌نویسد:

«اختر تخلص قاضی محمد صادق خان در نثر ید بیضا و در نظم ید طولی داشته از عماید روزگار و به‌همت وجود محسوب مشهود است. از تصنیف محامد حیدریه، به‌مدح غازی‌الدین حیدر پادشاه جم مرتبه لکهنو به‌خطاب ملک‌الشعرا سربلندی یافت و رساله صبح صادق به‌وضع آشوب زمانه تصنیف کرده اوست مرد ذوفنون و صاحب کمال است. در این زمانه کسی که به‌مرتب کمال و مکارم اخلاق رسیده غنیمت می‌توان شمرد...»<sup>۱</sup>

ابن امین الله طوفان در «تذکره‌الشعرا» مرقوم است:

«محمد صادق اختر قاضی‌زاده هگلی است چند مدت در عهد خلدمکان نواب غازی‌الدین حیدر خان در لکهنو ملازم سرکار فلک وقار مانده چنانچه مناقب حیدریه، در آن هنگام تألیف فرموده بالفعل در ضلع کانپور تحصیلدار است فارسی و هندی هر دو زبان بهتر می‌داند»<sup>۲</sup>.

در حاشیه «آب حیات» مؤلفه محمد حسین آزاد این‌طور آمده است:

«اختر جامع‌الکمالات عهد خویش بود، بیشتر معارضات شاعرانه و عالمانه پیش وی بحث و بررسی می‌شد»<sup>۳</sup>. (ترجمه اردو)

مؤرخ و تذکره‌نویس شهیر سید عبدالحی ندوی رای‌بریلوی در «نزهة الخواطر» درباره اختر نقل می‌کند:

«الشیخ الفاضل صادق بن محمد الهوغلی ثم اللکهنوی القاضی محمد صادق خان اختر ولد و نشأ ببلدة «هوغلی» علی اثنی عشر میلا من کلکنه و قرأ العلم علی سید محمد أسعد البردوانی و علی غیره من العلماء ثم أقبل علی الشعر اقبالا کلیا و قدمه لکهنو فی عهد غازی‌الدین حیدر و الف له «المحامد الحیدریه» و فی آخر عمره أدرك واجد علی شاه اللکهنوی و تقرب إليه و سكن لکهنو و مات بعد الفتنة...»<sup>۴</sup>

۱. طور معنی، احمد حسین سحر کاکوروی، تصحیح دکتر رئیس احمد نعمانی، ص ۸۲.

۲. تذکره شعرا، ابن امین الله طوفان، تصحیح قاضی عبدالودود، ص ۱۶.

۳. آب حیات، محمد حسین آزاد، ص ۲۳۲ (حاشیه).

۴. نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، حکیم سید عبدالحی، ۲۲۳/۷.

مولوی غلام امام شهید امیتهوی و معاصر غالب دهلوی شاگرد مصحفی در کلیات خودش قصیده‌ای مشتمل بر یکصد و نود و هفت (۱۹۷) به مدح «اختر» سرود چندین ابیات چنین طوراند:

از جهانگیری کلکش ز عرب تا به عجم	داد در پنجه خورشید قضا چتر و علم
زاده فکرت پاکش همه روحی ست لطیف	نظم او آمده با معجز عیسی توام
نظم و نثرش چو مه و مهر بود عالمگیر	روشن از پرتو نورش ز عرب تا به عجم
عشق بوسید زمین ادب از عجز و بگفت	کای خداوند سخن دادرس سیف و قلم
از سخن تا سخنی بست به عالم باقی	سخنت ورد زبان باد برای عالم <sup>۱</sup>

### آثار اختر

آثار اختر به نثر و نظم فارسی و اردو و به ترتیب الفبایی در ذیل ذکر می‌شوند:

۱. **آفتاب عالم:** مهم‌ترین اثر اختر است که محتوی است بر احوال و آثار چهار هزار و دو صد و شصت و چهار (۴۲۶۴) شاعر فارسی. این تألیف بسیار پُرارزش هنوز به زیور طبع آراسته نشده است و اطلاعاتی که تا به حال دست محرّر این مسطور رسیده از آن برمی‌آید که یک نسخه خطی اغلب منحصر به فرد در کتابخانه شخصی اهالی شمس‌آباد نگهداری می‌شود و شایقان ادبیات و فرهنگ امیدوارند که این آفتاب عالم‌تاب به زودی بر افق تابناک فارسی زبان خواهد درخشید.
۲. **بهار اقبال:** نسخه خطی این تصنیف در کتابخانه شبلی مضبوط است مشخصات این نسخه پُرارزش به قرار ذیل است:  
عنوان کتاب: بهار اقبال، فن: انشا فارسی، تعداد صفحات: بست و هشت (۲۸)، خط: نستعلیق خفی، تعداد سطور: پانزده (۱۵)، اندازه: ۲۷/۵×۱۷ سانتی‌متر، کاتب: سربلند خان، سال کتابت: ۱۲۴۶ هجری.

۱. کلیات غلام امام شهید امیتهوی، ص ۶۸-۶۷.

۲. تذکره روز روشن، ص ۳۸؛ تاریخ تذکره‌های فارسی، ۱۷/۱، *A History of Indo Persian Literature*, by: Prof. S.H. Qasemi, pp.355-358.

آغاز: شگفته‌روی و دلکشای گلستان سخن وقوف‌نامه کاری ستایش و ثنایش  
 «بهار اقبال» خداوند با کمالی است که به‌تازه‌کاری نسیمش دانه گوهر در بطن  
 صدف رونمای غنچه یاسمین است...»

انجام:

آیه لاتقنطوا بر من بخوان از لطف خویش      گرچه من خو کرده‌ام با پاس از بد اختری  
 از نسیم بخشش خود مژده در گوشم‌رسان      تا خزان گلشنم گردد بهار جعفری  
 اختر مسکین همه تن چشم امید است و بس      باید از چشم عنایت جانب او بنگری

ترقیمه: لله الحمد که این کتاب موسوم به «بهار اقبال» من تصنیف جناب مستطاب  
 ملک‌الشعرای قاضی محمد صادق خان بهادر اختر به‌خط شکسته بسته عاصی  
 سراپای معاصی سربلند خان متوطن موسی‌نگر، پرگنه بهوگنی‌پور، ضلع کانپور  
 به‌تاریخ دهم ماه جمادی‌الاول ۱۲۴۶ هجری به‌اختتام رسید. اللهم اغفر لکاتبه و  
 قارئه و مصنفه.

در این کتاب در مدح نصیرالدوله دوتا قصیده نوشته شده است که مطلع آن به‌قرار  
 ذیل است:

۱. نصیرالدوله یعنی فارس‌الملک      که هست از بحر قدر او فلک فلک

(برگ ۲ ب و ۳ الف)

۲. آن صاحب کرم که ز فیض نگاه او

(برگ ۴ الف)

عناوین گوناگون چنین‌اند: صفت باره‌دری (برگ ۴ ب)، صفت گلشن (برگ ۵ ب)،  
 صفت فواکه (برگ ۷ الف)، صفت حوض روح‌افزا (برگ ۷ الف)، صفت ته‌خانه  
 (برگ ۹ الف)، صفت عمارتی (برگ ۹ الف و ب) که بر لب این حوض دلکش  
 واقع است.

در آخر قصیده‌ای دارای نود و نه بیت است و مبنی بر دو مطلع است:

مطلع اول:

ای شکنج زلف پرچین تو دام دلبری      غمزه جادو نگاهت سایه بال پری

(۵۲ بیت، برگ ۱۱ ب تا ۱۳ ب)

مطلع دوّم:

ای ترا چون آسمان بر جمله عالم سروری      جبه‌سایان جنایت مهر و ماه و مشتری  
(۴۷ بیت، برگ ۱۳ ب تا ۱۴ ب)

۳. **بهار بی خزان:** در انشا، مشخصات این تصنیف در دست نیست فقط به‌توسط تاریخ ادب اردو از رام بابو سکسینه و تذکرةالشعرا ابن امین الله طوفان مرتبه قاضی عبدالودود معلوم می‌شود که این کتاب یکی از تصانیف اختر است.

۴. **حدیقه‌الارشاد:** نسخه خطی حدیقه‌الارشاد در کتابخانه خدابخش، پتنه موجود است.

مشخصات: سال تصنیف: ۱۲۲۶ هجری، شماره H.L.۸۴۱، فن انشاء، صفحات ۲۴۲، سطور ۱۵، خط نستعلیق.

آغاز: به‌انشای اساس بدائع‌نگاری رگ امر قلم سردست درفشانی است که گل سخن بر شاخسار زبان به‌آبیاری شکر نعمت او شگفته اوست... (ص ۲)  
ترقیمه: الحمدلله و المنت لله که به‌قدر لیاقت و استعدادی که از مبدء فیاض روزگار گردیده در ماه ربیع‌الثانی فی ۱۲۲۶ هجری هزار و دو صد و بست و شش به‌موجب ارشاد کرامت... نواب محمد علی خان بهادر... ضاعت اجلاله طرفه حدیقه ترتیب دارم. (ص ۱۱۴)

نویسنده در این تألیف آشفتگی و اضطرابی سنگینی که از آن دچار بود در پیرایه الم‌ناک بیان نموده است.

”از مبادی انتشار طباشیر صبح تا حال... به‌انشای مؤلفات غریب و منشأ بدیع راغب بود ناگاه... وحشت‌افزا واقعه‌ام پیش‌آمد که تخیل آن دل آسودگان سرای وحدت را در اضطراب جاوید... و پای کوه را جنبانید... فلک ستیزه کار با من نرد کج باخت و میان من و آن شغل دلپذیر سنگ تفرقه انداخت. طبعی که همیشه محکوم بود بر سلطان خرد آن‌قدر مستولی شده که عنان شکیبایی از دست داده چار و ناچار از کار بی‌کار و از خود بی‌خود بوده در گوشه ناکامی انزوا و تمکن اختیار نموده عمر گران‌مایه در عبادت معبود... بسر می‌برد.“ (ص ۶۰-۶۱)

در این کتاب اختر دربارهٔ فن کتابت و مکتوب‌نویسی و انشانویسی اطلاعات جالب فراهم کرده است و در آخر به‌عنوان «حدیقه‌الارث و در بیان حد هر چیز» سخن‌های مفید نگاشته‌اند.

۵. دیوان اردو: نزد نواب جعفر علی خان متخلص به «اثر» لکهنوی مضبوط است.  
۶. دیوان فارسی: دیوان فارسی اختر در ایشیاتک سوسائتی بنگال نگهداری می‌شود شماره آن ۳۱۰ است.

#### ۷. شمس‌المدائح

۸. صبح صادق: این کتاب دارای بست و شش (۲۶) صفحه به تقاضای محمد اسمعیل خان مؤرخ ۲۳ صفر ۱۲۶۸ هجری از مطبع مصطفائی لکهنو چاپ شده است. موضوع این تألیف انشا است. اسپرنگر و رام بابو سکسینه اشتباهاً این را سوانح حیات اختر گفته است که سرتاسر غلط است. نویسنده در این دوره‌های مختلف زندگی بشر، ناقدری اهل علم و قدردانی ناکسان و ضمناً احوال خویش را بیان کرده است.

۹. گلدستهٔ محبت: در این کتاب اختر احوال ملاقات نواب غازی‌الدین حیدر وزیر ایالت اوده و لارد وارن هستینگز را تحریر کرده است. در «تذکرهٔ خوش معرکه زیبا» فقط این اطلاع موجود است. تفصیلات دیگر دربارهٔ این کتاب در تذکرهٔ مزبور موجود نیست.

۱۰. گلزار خسروی: اطلاعات در دست نیست.

۱۱. گنج بی‌رنج: در تذکره‌ها فقط نام ذکر شده است.

۱۲. گنج نیرنگ: جز نام چیزی دربارهٔ این اثر در دست نیست.

۱۳. لوامع‌النور فی وجوه‌المنشور: مجلد دوم نورالانشاء را اختر «لوامع‌النور فی وجوه‌المنشور» عنوان داده است و در آخر «نورالانشاء» چنین تحریر کرده است:

«جلد دوم مشعر است به‌قوانین فارسی و ترکی و اصطلاحات و ضرب‌المثل و اغلاط محاورات و مایتعلق به‌فن‌الادب که پیش از اختتام «بلوامع‌النور فی وجوه‌المنشور» نامزد گشته به‌شرط بقای حیات مستعار و رفیق شدن توفیق ایزدی.»  
(نورالانشاء، برگ ۲۵۲ ب)

۱۴. **محامد حیدریه:** این کتاب در تعریف نواب غازی الدین حیدر نوشته شده دارای حکایات دل‌انگیز و مضامین اخلاقی و غیره. این اثر اختر در شعبان المعظم ۱۲۳۸ هـ نوشته شد و در سال ۱۲۷۵ هجری از چاپخانه شاهی به‌زیور طبع آراسته شد. در خط تایپ این کتاب دارای دویست و هشتاد و هشت صفحه است. چاپ دیگر این کتاب هم وجود دارد ولی درباره چاپخانه و مقام و سال چاپ هیچ اطلاع در دست نیست.

آغاز کتاب چنین طور است:

”شگفتگی غنچه‌دهان و نغمه‌سنجی عندلیب زبان به‌نسیم دلکشا و نکته روح‌افزایی محامد و مناقب گلشن‌آرای است که به‌گلگونه طرازی... و جمال عروسان بوستان مملکت برافروخت و به‌صواعق سیاست معدلت قرین این گروه حق پژوه که شناسد...”

۱۵. **مفیدالمفید:** در تذکره‌ها فقط نام این اثر ثبت است.

۱۶. **مخزن الجواهر:** در تذکره فقط نام این اثر ذکر شده است.

۱۷. **نقودالحکم:** این اثر پُراورش در کتابخانه شبلی ندوة‌العلماء لکهنو مضبوط است.

مشخصات این اثر همچنین است:

شماره کتابخانه: ۴۰۳، نام کتاب: نقودالحکم، نویسنده: قاضی محمد صادق اختر، زبان: فارسی، فن: تصوف، خط: شکسته نستعلیق، کاتب: سربلند خان، سال کتابت: ۱۲۴۷ هجری، تعداد صفحات: یکصد و هشتاد و هشت، تعداد سطور: سیزده، اندازه: ۲۵×۱۸ سانتی‌متر ویژگی‌های عناوین را به‌رنگ سرخ نوشته شده است و متن را از حکایت‌های دلچسب و بیت‌های جالب مزین کرده است.

آغاز:

ای نام تو راحت روان همه کس      وز نام تو پیداست نشان همه کس

از نام خوش تو جان من تازه شود      جان من تنها نه که جان همه کس

ثنای بی‌کران خداوندی را سزد که هرچه کند حکمت است و شکر بی‌پایان منعمی را لایق که از او بی‌شمار نعمت است رضای قضای وی باید که او را نفاذ و مشیت است ستایش او را شاید که صنعت او سزاوار رحمت است. (برگ ۱ الف)

انجام: خاتمه این کتاب شرف انتساب که موسوم است به «نقودالحکم» و مملو است به انواع فواید و نعم مشتمل به عرض حال در خدمت بزرگان با فضل و کمال. (برگ ۹۲ ب)

ترقیمه: هزاران سپاس به جناب خالق الجن و الناس که این کتاب موسوم به «نقودالحکم» من تصنیف جناب مستطاب مستغنی عن الخطاب ملک الشعرا قاضی محمد صادق خان بهادر متخلص به «اختر» متوطن شهر هوگلی به خط شکسته بسته عاصی سراپا معاصی سربلند خان متوطن موسی نگر، پرگنه بهوگنی پور، ضلع کانپور. به تاریخ بستم شهر ربیع الاول ۱۲۴۷ هجری تحریر یافت. اللهم اغفر لکاتبه و قارئه و مصنفه در مقام اوریا، نگارش پذیرفت.

چندین عناوین این اثر بدین قراراند:

فضایل جناب خاتم النبیین ص، فضایل قرآن مجید و فرقان حمید، در بیان وسعت رحمت، در بیان محبت الهی، در بیان تقوی و توکل و صبر، مذمت حرص، مذمت سؤال، مذمت بخل، صفت توبه، بیان مرگ، بیان روز قیامت و غیرهم.

۱۸. نورالانشاء: این اثر مهم محمد صادق متخلص به اختر در کتابخانه شبلی ندوة العلماء،

لکهنو نگهداری می شود. مشخصات این کتاب به قرار ذیل است:

شماره کتابخانه: ۲۱۴، نام کتاب: نورالانشاء، نویسنده قاضی محمد صادق اختر، زبان: فارسی، فن: انشاء مکتوبات، خط: شکسته نستعلیق، کاتب: اسم کاتب مشخص نیست، ولی از تحریر قیاس اغلب این است که کاتب این اثر کاتب مستقل اختر سربلند خان است، سال کتابت: ۱۲۴۵ هجری، تعداد صفحات پنج صد و دوازده (۵۱۲)، تعداد سطور: دوازده (۱۲)، اندازه: ۲۴×۱۵ سانتی متر، ویژگی: عناوین را به رنگ سرخ نوشته شده است، کرم خورده.

آغاز: سجده ریزی خامه حمدنگار جناب اقدس حضرت آفریدگار:

ای نام تو آرایش عنوان کلام وی نام تو آرامش هر بی آرام

در حیز امکان و تصوّر هرگز بی نام تو آغاز نگیرد انجام

روشن سواد قلمرو خانه عنبرین شمار به نور انشای حمد و ثنای خداوند نور و ظلمت آفرینی است که خورشید زرین شعاع قلم بر لوح مغمور کائنات معمور

به‌تحریر سوره نور مأمور کرده اوست دلیلی روشن طلعت نور در چشم دیده‌وران نزدیک و دور از مردمک نورانی سواد رشک طور پردگی سیه‌خیمه بوده طناب‌کش سراپرده او نی قلم معنی‌پروران سخن‌گستر به‌فیض نامیه کاری صنعت‌های شیرین کاری‌ها بر دوش او ثمره‌یاب شکرریزی و چمن چهار گوشه رشک هشت بهشت دوات سخن‌طرازان معنی‌پرور به‌آبیاری ابر مدار مداد قدرت سیه بهار در آغوش او آماده... (برگ ۱ ب)

در وجه تألیف می‌گوید:

بر ضمائر بیضا نظایر صدرنشینان بارگاه دوربینی... مستور و محجوب مباد چون برخوردار... مرزا علی حسین متخلص به‌نور... به‌دل همواره پیشنهاد همت قاصران هیچمدان می‌باشد با وصف شغل عهده تحصیلداری که کمی فرصت و هجوم افکار در لیل و نهار و تشویش دماغ و تردد خاطر از لوازم آن است به‌رضاجوی آن سعید ازلی مشقت چند روزه به‌خود گوارا نموده به‌ترتیب اجزای چند پرداختم و به‌رعایت آن نور دیده قابلیت و نور حدیقه اهلیت به «نورالانشاء» موسوم ساختم...

روزی که نه شادی و نه شیون ماند نی دست و قلم نه جان ولی تن ماند

ور خاطر دوستان دهد یاد مرا حرفی که به‌یادگار از من ماند

و سواد این ناظوره سخنوری به‌روز عید سعید ماه رمضان المبارک سال هزار و دو صد و چهل و پنج هجری قدسی (۱۲۴۵ هـ) انجام و اختتام پذیرفت. (برگ ۳ ب و ۴ الف)

انجام: شکر فراوان و سپاس بی‌پایان به‌جناب بخشیده جان و ایمان که به‌دستیاری توفیق و مددگاری تأیید او سبحانه جلّ شانه این درر غرر در سلک تألیف و تصنیف سمت انتساق و صفت انتظام یافت... منظوم:

گر نیامد حساب عمر بسر نکنم طرح نامه دیگر نکم

ور به‌پایان رسید نامه من بس همین نامه نقش خامه من

۱۹. غزلیات اختر: در کتابخانه شبلی ندوة العلماء لکهنو، جنگی به‌عنوان «غزلیات اختر» نگهداری می‌شود مشخصات این جنگ بقرار زیر است:

نام: غزلیات اختر، گوینده: محمد صادق اختر، زبان: فارسی، فن: غزل و رباعی، تعداد صفحات: ۲۰، تعداد سطور: ۱۱-۱۰، اندازه: ۲۵×۱۱ سانتی متر، خط: نستعلیق، ویژگی: کرم خورده، ترقیمه ندارد.  
آغاز:

جلوه‌ای کرد قدت کبک دری پیدا شد      عکست افتاد در آینه پری پیدا شد

انجام:

اختر به یاد چشم بتان سرمه گشته‌ام      از راه دیده می‌گذرد کاروان ما  
قیاس غالب این است که این جنگ «بیاض» به خط اختر است که جابه‌جا چنین  
طور نوشته است طرح لکهنو (در عهد معتمدالدوله بهادر)، (در طرح آگره گفت)،  
(طرح کانپور) و غیره. در این جنگ تعداد غزلیات نوزده (۱۹) است که دارای هفت  
تا چهارده بیت است در حاشیه ده (۱۰) رباعی هم نوشته است.

مطالع چندین غزلیات این طوراند:

یک ره بسویم جلوه کن ای رونق گلزارما (برگ ۱ الف)

تا چاشنی گرفت ز مدحت زبان ما (۹ بیت، برگ ۹ ب)

چه باشد گر به سوی عاشق شیدا تهی باشد (۷ بیت، برگ ۷، الف در طرح آگره)

دل ز کوی تو چه گویم که چه اندوخته رفت (۵ بیت، ۹ الف)

گل شیفته عارض زیبای تو باشد (۷ بیت، برگ ۹ الف)

ما را ز بعد مرگ نیاید به کار شمع (۷ بیت، ۷ الف در طرح کانپور)

شب که پنهان نگهش سوی رقیبان دیدم (۹ بیت، برگ ۳ ب)

غزلی جالب که بیانگر طرز اختر است، برای تفنن طبع ملاحظه فرمایید:

جلوه‌ای کرده قدت کبک دری پیدا شد	عکست افتاد در آینه پری پیدا شد
چشم جادوی تو افگند به شوخی نگهی	بهر خوبان جهان عشوه‌گری پیدا شد
کرد پرواز به هجران تو رنگ زُح من	در جهان سلسله نامه‌بری پیدا شد
هر سرشکی که به یاد لب لعل تو دلم	ریخت از دیده عقیق جگری پیدا شد
کس به دوران تو با خاطر آسوده نزیست	تا به دور قمرت فتنه‌گری پیدا شد
اشکم از دیده برون آمد و رسوایم ساخت	خانه پرورده عجب در بدری پیدا شد

دل که بر بوی تو عزم سفری داشت مدام  
 اختر آن یار دم نزع به‌بالین آمد  
 ناگهان نکه‌ت باد سحری پیدا شد  
 تا به‌کویت خبر بی‌خبری پیدا شد  
 (برگ ۱ الف)

رباعیات اختر دارای مضامین گوناگون‌اند، چندین رباعیات از این‌طوراند:  
 چشم تو چه جادویی که با ما نکند  
 زلفت چه تطاول که به‌دل‌ها نکند  
 هنگام جوانی ناز بر روی زمین  
 قد تو چه فتنه‌ها که برپا نکند  
 \*

در ملک کمال عزّ و جاهی داریم  
 گر شاه و وزیر را به‌جاه است غرور  
 در بزم حریم قدس راهی داریم  
 ما نیز ازین نمد کلاهی داریم  
 \*

بر جان ز غم عشق تو باری دارم  
 حسرت که شهید تست بر مرقد وی  
 اندر جگر از غمزه فگاری دارم  
 در سینه ز دل لوح مزاری دارم

چند ابیات دیگر همین‌طوراند:

#### در صفت پری و شان لکهنو

جنت است این بوستان بی‌خزان لکهنو  
 گر ندیدی سرو بوستان را در انداز خرام  
 بر تن جان می‌شود پیراهن صبرم قبا  
 بس که خون بی‌گناهان ریختند این کافران  
 شوکت جمشیدی و فر فر بدون کی رسد  
 دل اگر دادیم و افتادیم از بزم بتان  
 می‌گذارد بدر کامل تا کند خود را هلال  
 حور و غلمانند در وی گلرخان لکهنو  
 گویا یک یک بین سرو روان لکهنو  
 چون کتان از یک نگاه مهوشان لکهنو  
 کربلا شد لکهنو از قاتلان لکهنو  
 با کمال و کزّ و فر و عزّ و شأن لکهنو  
 جان من بادا به‌قربان بتان لکهنو  
 از پی طرفی کلاه گلرخان لکهنو  
 (نورالانشاء، برگ ۳۱ ب)

غزلی در استقبال خسرو دهلوی:

#### جان ز تن بردی و در جانی هنوز

خط برآوردی و ذی‌شانی هنوز  
 بال لب می‌گون و چشم کافرت  
 پیشوای ساده رویانی هنوز  
 شور عشق می‌پرستانی هنوز  
 آسمان در فکر ویرانی هنوز  
 جسم من شد خاک و خاکم شد به‌باد

ای خدنگ ناز در پهلوی من      یک دو دم بنشین که مهمانی هنوز  
 بسمل چشم تو دارد زیر خاک      دیده وا چون چشم قربانی هنوز  
 بر امید وعدهات ای جان جان      زنده می‌دارد گرانجانی هنوز  
 گرچه از خط صبح حسنت شام شد      جان اختر ماه تابانی هنوز  
 (نورالانشاء، برگ ۳۷ ب و ۳۸ الف)

ابیات غیرمنقوط در مدح نواب سید زین‌الدین علی خان ناظم مرشدآباد:

مالک ملک کرم سرور دهر      سالک راه علا مهر کرم  
 مطلع طالع او مهر و عطا      حارس درگه او علم و علم  
 هم هوای در او روح ملک      هم دعای دل او درد امم  
 کار او در همه عالم اصلاح      مهر او در همه دل‌ها مرهم  
 کلک او حکم رسی را همراه      دم او درد ملک را همدم  
 (نورالانشاء، برگ ۳۴ الف و ب)

\*

لمعه حسنت روکش یوسف تیر نگاهت شوق زلیخا  
 زلف درازت قصه مجنون خط سیاهت نامه لیلی

\*

اختر این بحر تنگ فرصت که نامش زندگی‌ست  
 حسرت نظاره چشم حبابم کرده است  
 پریشان ساختن، آشفته کردن، دل ز کف بردن  
 همه زان گیسوی آواره بی‌شانه می‌آید  
 گاهی نظری سوی من از ناز نکردی  
 ممنون نگاه غلط انداز نکردی

### منابع

۱. اعلام «نزهة الخواطر»، حکیم سید عبدالحی حسنی، چاپ دار عرفات، رای بریلی، ۱۴۱۳ هـ/۱۹۹۲ م.
۲. برهان (مجله) ندوة المصنفین، دهلی، ژوئیه ۱۹۸۷ م.
۳. تاریخ تذکره‌های فارسی، احمد گلچین معانی، تهران، ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ ش.

۴. تذکره روز روشن، مظفر حسین صبا، مطبع شاهجهانی، بوپال ۱۲۹۷ هجری.
  ۵. تذکره شعرا، ابن امین الله طوفان، تصحیح قاضی عبدالودود، اداره تحقیقات اردو، پتنه.
  ۶. تذکره شمع انجمن، نواب صدیق حسن خان قنوجی، مطبع شاهجهانی، بوپال، ۱۲۹۳ هجری.
  ۷. تذکره نویسی در هند و پاک، سید علی رضا نقوی، مؤسسه مطبوعات علمی، تهران، ۱۳۸۳ ه.ش.
  ۸. خمخانه جاوید، لاله سری رام، همدرد پریس، دهلی، ۱۹۲۶ م.
  ۹. ریاض الافکار (خطی)، وزیر علی عبرتی، کتابخانه خدابخش، پتنه، بی تا.
  ۱۰. ریاض الوفاق، ذوالفقار علی مست، به تصحیح خیام پور، شرکت سهامی آذربایجان، ۱۳۴۳ ش.
  ۱۱. طور معنی، احمد حسین سحر کاکوروی، به تصحیح دکتر رئیس احمد نعمانی، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، ۲۰۰۷ م.
  ۱۲. فارسی ادب به عهد بهادر شاه، دکتر ابوالحق اختر، رانا آفست پریس، بنارس، ۱۹۹۸ م.
  ۱۳. کیفیت العارفین، خانقاه منعمیه، گیا، ۱۳۵۱ هجری.
  ۱۴. محمد حسین آزاد، آب حیات، نولکشور پریس، لاهور، ۱۹۷۰ م، چاپ عکسی اردو اکادمی، یوپی، ۲۰۰۳ م.
15. A History of Indo Persian Literature (1806-1857 A.D.), by Prof. S.H. Qasemi, Delhi University, Arsons Computer Text. Delhi, 2008.